



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



صحابه مقام در قرآن

عبدالعزيز نعماني

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقام صحابه در قرآن

نویسنده:

عبدالعزیز نعمانی

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مقام صحابه در قرآن
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	اعتقاد اهل سنت و جماعت
۷	برداشت‌ها از عدالت صحابه
۸	عدالت صحابه، حقیقتی انکارناپذیر
۱۳	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مقام صحابه در قرآن

مشخصات کتاب

مؤلف: عبد العزیز نعمانی

مقدمه

عدالت اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم، از باورهای مهم و اساسی مذهب اهل سنت و جماعت است که قاطبه مسلمانان جهان پیرو این مذهب‌اند. واژه «سنت و جماعت»، بیانگر این مطلب است که اهل سنت و جماعت بعد از قرآن کریم، احادیث و سنت سنیه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و فهم و عمل اصحاب گرامی آن حضرت صلی الله علیه وسلم را پایه اعتقادات و اعمال و سایر مسائل و احکام دین می‌دانند؛ از این رو توثیق و عدالت اخلاقی و روایی اصحاب، اصلی بسیار مهم است. این نکته نیز قابل ذکر است که اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم نه معصوم بوده‌اند (زیرا عصمت از مشخصه‌های ویژه و منحصر به فرد انبیا و پیامبران است) و نه فاسق (که نشانه سوءظن‌ها و سخنان ناروا قرار گیرند)، بلکه گرچه گاه از برخی از آنان بنا بر اقتضای طبیعت بشری، گناه و لغزش سر زده است اما آنان پس از انتباه، از عملکرد خویش بکلی نادم گشته و توبه صادقانه کرده‌اند، و خداوند نیز، به شهادت آیات قرآن کریم، آنان را مورد عفو و بخشش قرار داده است. از این رو اهل سنت و جماعت اعتقاد جازم دارند که هیچ یک از اصحاب پیامبر، بر اثر ارتکاب لغزش و گناهی که حتماً از آن توبه کرده‌اند، فاسق قلمداد نمی‌شوند، بلکه آنان همواره همچون ستارگان روشنگر، بر فراز راه هدایت و رستگاری درخشیده و تا قیام قیامت امت اسلامی را به سر منزل مقصود رهنمون شده و خواهند شد.

اعتقاد اهل سنت و جماعت

به منظور توضیح و تبیین اعتقاد اهل سنت و جماعت درباره عدالت صحابه پیامبر صلی الله علیه وسلم بخشی از آرا و اقوال بزرگان اهل سنت، اعم از متکلمان، محدثان، فقها و مفسران را ذیلاً نقل می‌نماییم تا این اعتقاد کاملاً شفاف گردد. ۱- امام ابو عمر یوسف بن عبدالبر قرطبی (متوفی ۴۶۳ هـ) می‌فرماید: «فهم خیر القرون و خیر أمة أخرجت للناس، ثبتت عدالته جمیعهم بثناء الله عزوجل علیهم، و ثناء رسوله علیه السلام، و لا أعدل ممن ارتضاه الله لصحبه نبيه و نصرته و لا تزکیة أفضل من ذلك و لا تعدیل أكمل منه» [۱]؛ «آنان مردمان بهترین قرن‌ها (در طول تاریخ اسلام) هستند و برترین گروهی هستند که به منظور دعوت و ارشاد مردم فرستاده شده‌اند. عدالت همگی آنان با ستایش خداوند عزوجل و پیامبرش از آنان، به اثبات رسیده است. چه کسی عادلتر است از آنانی که خداوند آنان را برای همنشینی و یاری پیامبرش برگزیده است، چه شهادت تزکیه ای بهترین از این، و چه گواهی عدالتی کاملتر از این (می‌توان تصور کرد)». ۲- امام الحرمین، ابوالمعالی عبدالملک جوینی (متوفی ۴۷۸ هـ)، می‌فرماید: «و الذی یجب علی المعتمد أن یلتمه، أن یعلم أن جله الصحابة كانوا من رسول الله بالمحل المغبوط و المكان المحوط و ما منهم الا و هو منه ملحوظ محفوظ و قد شهدت نصوص الكتاب علی عدالتهم و الرضا عن جملتهم بالبیعة، بیعة الرضوان، و نص القرائن علی حسن الثناء علی المهاجرین و الأنصار» [۲]؛ «بر مسلمان معتقد واجب است تا بداند که همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم از دیدگاه پیامبر در مقام قابل غبطه و خاصی قرار داشتند و هر یک از آنان مورد توجه و عنایت ویژه آن حضرت صلی الله علیه وسلم قرار داشتند. همانا نصوص قرآنی از عدالت صحابه و خشنودی خداوند از آنان در «بیعت رضوان» خبر می‌دهند و قرائن نیز تصریح دارند که مهاجرین و انصار مورد

حسن ستایش قرار داشته‌اند». ۳- امام ابوعمرو عثمان ابن‌الصلاح شهرزوری (متوفی ۶۴۳هـ) می‌فرماید: «لصحابه بأسره هم خصیصه و هی أنه لا- یسأل عن عداله أحد منهم بل ذلك أمر مفروع منه لكونهم على الإطلاق معدّلین بنصوص الكتاب و السنه و إجماع من یعتدّ به فی الإجماع من الأمة... ثم إن الأمة مجمعه على تعديل جميع الصحابه و من لابس الفتن منهم فکذلك بإجماع العلماء الذین یعتد بهم فی الإجماع، إحساناً للظن بهم و نظراً إلى ما تمهّد لهم من المآثر و كأن الله سبحانه و تعالی أتاح الإجماع على ذالك لكونهم نقله الشریعه» [۳]؛ «همه أصحاب از امتیاز خاصی برخوردارند و آن اینکه عدالت هیچ یک از آنان مورد سؤال قرار نمی‌گیرد، بلکه این مسئله ای قطعی تلقی می‌شود زیرا همه آنان علی‌الاطلاق، از دیدگاه نصوص قرآن، احادیث و اجماع کسانی که اجماع آنان قابل قبول و معتبر است، عادل‌اند. همانا امت اسلامی بر عدالت اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم اتفاق نظر دارد، اگر چه از کسانی باشند که در درگیریها (میان اصحاب پیامبر) شرکت داشته‌اند، همچنین این دیدگاه علمایی است که اجماع آنان قابل اعتبار است؛ این اعتقاد به خاطر حسن ظن و با توجه به فضایل و مناقب آنان است، و گویا تأیید الهی بوده تا عدالت آنان مورد اجماع قرار گیرد زیرا آنان ناقلان و پاسداران شریعت اسلامی بودند». ۴- شیخ الاسلام احمد بن تیمیه (متوفی ۷۲۸هـ) می‌فرماید: «و من أصول اهل السنه و الجماعه سلامه قلوبهم و ألسنتهم لأصحاب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم كما وصفهم الله فی قوله تعالی: «و الذین جاءوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذین سبقونا بالإیمان و لا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا ربنا إنک رؤوف رحیم»، و طاعه للنبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم فی قوله: «لاتسبوا أصحابی فوالذی نفسی بیده لو أن أحدکم أنفق مثل أحد ذهباً ما بلغ مد أحدهم و لا نصیفه» [۴]؛ «از اصول اعتقادی اهل سنت و جماعت آنست که دلها و زبانهایشان [از بغض و بدگویی] در مورد اصحاب رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم پاک و سالم است. چنانکه خداوند آنان را این چنین توصیف می‌فرماید: «و کسانی (مؤمنانی) که پس از آنان (صحابه و مسلمانان صدر اسلام) آمده‌اند، می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان آوردن بر ما سبقت گرفته‌اند، بیامرز، و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان قرار مده. پروردگارا! رأفت و مهربانی تو بسیار است». و به پیروی از دستور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم که می‌فرماید: «اصحاب مرا ناسزا مگویید، قسم به ذاتی که جانم در قبضه اوست، اگر یکی از شما به اندازه کوه أحد طلا انفاق و صدقه نماید، به پاداش یک یا نصف مد [۵] (از عملکرد) آنان نخواهد رسید». هـ علامه مسعود بن عمر تفتازانی (متوفی ۷۹۲هـ ق) می‌فرماید: «اتفق أهل الحق علی وجوب تعظیم الصحابه و الکف عن الطعن فیهم، سیما المهاجرین و الأنصار، لما ورد فی الكتاب و السنه من الثناء علیهم و التحذیر عن الإخلال بإجلالهم: «الله! الله! فی أصحابی، لاتتخذوهم غرضاً من بعدی»؛ «لاتسبوا أصحابی»؛ «خیر القرون، قری» و لو كانوا فسدوا بعده لما قال ذالك بل تبه و کثیر مما حکى عنهم افتراءات و ما صح فله محامل و تأویلات» [۶]؛ «اهل حق در خصوص گرامیداشت صحابه و پرهیز از طعن زدن به آنان اتفاق نظر دارند، خصوصاً در مورد مهاجران و انصار که در قرآن و سنت مناقب آنان ذکر شده و (در حدیث) به پرهیز از تعرض به مقام شامخ آنان هشدار داده شده است. [رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید: «از خدا بترسید درباره اصحاب من و آنان را پس از من هدف [نسبت‌های ناروا] قرار ندهید»؛ «اصحاب مرا ناسزا مگویید»؛ «بهترین و برترین قرن‌ها، قرن من است»؛ اگر چنانچه اصحاب پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم پس از وفات ایشان، دچار انحراف می‌شدند، حتماً آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم [با فراستی که از آن برخوردار بودند و با ارتباط ویژه‌ای که به منبع وحی و الهام داشتند] این موضوع را یادآور می‌شدند. و اما بسیاری از مطالبی که درباره صحابه پیامبر نقل می‌شود در واقع یا صحت ندارند و اگر بالفرض صحیح باشند قابل توجیه و تأویل‌اند».

برداشت‌ها از عدالت صحابه

اگر ما مفهوم عدالت صحابه را مورد بررسی بی‌طرفانه و منطقی قرار دهیم به همان نتیجه‌ای دست خواهیم یافت که در بالا ذکر شده است. با این وجود از عدالت صحابه چند برداشت وجود دارد: الف: اینکه اصحاب و یاران پیامبر را همچون شخص پیامبر معصوم

بدانیم و معتقد باشیم که آنان از هر گونه خطا و لغزشی مصون بوده‌اند. مسلماً چنین برداشتی با آیات قرآن و سیرت صحابه در تضاد و کاملاً مبالغه‌آمیز است و نمی‌توان آن را درست پنداشت. ضمن اینکه از دیدگاه اهل سنت، تعمیم بحث عصمت به اشخاصی پس پیامبر خاتم، ناقض اصل خاتمیت است. ب: اینکه صرفاً عده‌ انگشت‌شماری از اصحاب را عادل دانسته و معتقد باشیم که بقیه اصحاب در زندگی عملی و مسائل سیاسی و اجتماعی بر خلاف مقتضای احکام اسلامی عمل کرده و از این جهت مرتکب گناهی نباشند، تا آنجا که بتوان آنان را مرتد، منافق و یا فاسق خواند! این نظر نه تنها با آیات نازل شده در خصوص فضایل و ویژگیهای اصحاب پیامبر اسلام و اظهار رضایت خداوند از آنان، همچنین روایاتی که در مناقب آنان از حضرت پیامبر نقل شده است، در تضاد است، بلکه به نوعی تشکیک در موفقیت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در اهداف بعثت نیز هست. برخی آگاهانه و یا ناآگاهانه پاره‌ای از آیات قرآن را که در مورد منافقان نازل شده است با تحریف شأن نزول و یا تأویل مفهوم و معانی آیات، به اصحاب بزرگوار پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم نسبت می‌دهند؛ یا اینکه خلفای راشدین را غاصب خلافت و دشمن اهل بیت می‌خوانند؛ ام‌المؤمنین عایشه صدیقه رضی‌الله‌عنها و برخی از «عشره مبشره» از جمله حضرت طلحه و زبیر رضی‌الله‌عنهما را صرفاً به خاطر رودرویی آنان با حضرت علی رضی‌الله‌عنه در واقعه «جمل»، عادل نمی‌دانند و آماج سخنان ناروا قرار می‌دهند؛ در حالیکه این گروه از اصحاب، از مهاجرین اولین و اهل بدر و حدیبیه هستند که در قرآن بشارتهای متعددی در مورد آنان آمده است و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم در احادیث متعددی از فضایل و مناقب آنان سخن گفته و به آنان بشارت بهشت داده است. این دیدگاه و طرز تفکر آسیب‌های بسیاری را به همراه داشته که امت اسلامی تا حال نتوانسته خود را از تبعات آن خلاص کند و به معنای واقعی به وحدت و انسجام برسد. ج: اینکه عدالت اصحاب را قابل تفکیک بدانیم و به دو بخش عدالت روایی و عدالت اخلاقی تقسیم نماییم، در نتیجه عدالت آنان را در نقل آیات قرآن و روایت احادیث نبوی محرز و قطعی بدانیم، اما در زندگی عملی و سلوک اخلاقی‌شان با دیده تردید بنگریم و خطا و لغزشهای انسانی‌شان را برجسته کنیم و آنان را مورد سوءظن‌ها و اتهام‌های ناروا قرار دهیم؛ غافل از اینکه چنین دیدگاهی نیز نتیجه‌ای جز تردید در پذیرش عدالت آنان و تشکیک در صحت روایات‌شان نخواهد داشت. د: دیدگاه چهارم این است که معتقد باشیم اصحاب از نظر ایمان و عمل بر سایر افراد امت برتری فوق‌العاده‌ای داشته‌اند، چه آنان نخستین کسانی بودند که دعوت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم را لیبیک گفتند و در سخت‌ترین شرایط با مال و جان خویش به یاری دین اسلام پرداختند و سراسر عمرشان را در جهت نیل به رضایت خداوند و پیامبرش و گسترش آیین جهان‌شمول اسلام صرف نمودند، و امت اسلامی تا قیام قیامت و امدار مجاهدتها و جانفشانی‌های آنان است و همواره باید از آنان ممنون باشد و تقدیر کند و در دام بدبینی و سوءظن به آنان نیفتد. چنانکه ذکر آن گذشت، این بدان معنا نیست که آنان را معصوم و مصون از خطا و لغزش بدانیم، بلکه آنان نیز همچون هر انسان غیرمعصومی دچار خطا و لغزش شده‌اند اما شخصیت آنان چنان در مکتب نبوت پرورش یافته که پس از هر خطا و لغزشی حتماً با توبه و انابت، موجبات خشنودی خدای عزوجل را فراهم آورده‌اند. آیات و روایات در این باب به قدری زیاد است که نقل آنها از حوصله این نوشتار خارج است. بنابراین فسق و بی‌عدالتی به ساحت گرامی اصحاب پیامبر راه ندارد و اگر منصفانه و به دور از تعصب‌های مذهبی و سیاسی روایات اسلامی و سیرت صحابه را مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم، بجز یکی دو اشکال قابل حل در این خصوص، به چیز دیگری بر نمی‌خوریم. این دیدگاه، دیدگاه اکثریت غالب مسلمانان جهان و پیروان مذهب اهل سنت و جماعت است. اهل سنت و جماعت این رویه را صحیح‌ترین و پذیرفته‌ترین اعتقاد نسبت به صحابه و یاران پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم، و خلاف آن را اجحاف در حق آن بزرگواران، و سبب افتادن امت اسلامی در دام اختلافات لاینحل می‌دانند.

عدالت صحابه را مبالغه‌آمیز خواندن و برای مخدوش و نادرست جلوه دادن این باور صحیح و منطقی به طرح شبهات پرداختن، کوششی بیهوده و ابراست. با این وجود، اگر این گونه ادعاها مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند بی‌اساس بودنشان کاملاً به اثبات می‌رسد و هیچ گونه تردیدی در اعتقاد به عدالت صحابه باقی نمی‌ماند. (۱). از وظایف مهم بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آن بود که همه جهانیان را به دین ابدی اسلام فراخواند، و در این راستا وظیفه داشت تا در جهت اصلاح و تزکیه اولین مخاطبانش سعی وافر نماید. چنانکه خداوند می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتب و الحکمۀ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» [جمعه: ۲]؛ اوست کسی که در میان درس‌ناخواندگان رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را پاک و تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزاند. گرچه پیش از این در گمراهی آشکاری بودند. حال اگر ادعا شود که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در مدت ۲۳ سال بعثتش از جمع کثیر یاران و مخاطبانش، فقط موفق شد افراد انگشت‌شماری را تزکیه و تربیت کند و کتاب و حکمت بیاموزاند، نتیجه چنین ادعایی جز این نخواهد بود که اهداف بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه وسلم عقیم مانده و ایشان در دعوت خویش ناموفق بوده‌اند؟! مسلماً چنین ادعایی خلاف واقع و ظلمی عظیم در حق دین اسلام و پیامبر خاتم صلی الله علیه وسلم است. (۲). رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در حالی وفات نمودند که دین اسلام، فراتر از شبه جزیره عربستان گسترش نیافته بود و با وفات آن حضرت صلی الله علیه وسلم تعداد انبوهی از قبایل تازه مسلمان عرب، مرتد شدند و اوضاع چنان وخیم شد که بیم آن می‌رفت که بساط اسلام بکلی برچیده شود، اما در چنان وضعیتی خلیفه آن حضرت، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، و دیگر اصحاب ایشان اعم از مهاجرین و انصار شمشیر به دست گرفته و برای پیشبرد اهداف دین اسلام و پاسداری از مقاصد بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با مرتدین به مبارزه پرداختند. از آن پس نیز همواره در فکر جهاد و گسترش اسلام بودند تا آنکه جانشین دوم رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، عمر فاروق رضی الله عنه، دو امپراطوری بزرگ ایران و روم را شکست داد و اصحاب موفق شدند تا دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم را به اقصی نقاط جهان برسانند. آیا منصفانه است کسانی را که تمام وجودشان را در راه اسلام فدا نمودند، متهم نماییم که پس از وفات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به فرامین الهی پشت کردند و به خاطر منافع دنیوی و اغراض شخصی دستورات آن حضرت صلی الله علیه وسلم را به هیچ انگاشتند و به ظلم و ستم و خیانت روی آوردند؟! (۳). در مدینه منوره دسته‌ای بودند که ظاهراً تسلیم آیین اسلام شده بودند و در جرگه مسلمانان قرار گرفته بودند، اما با فتنه‌انگیزی و سرپیچی از اوامر پیامبر اسلام و عدم حضور در جهاد و سازشکاری با دشمنان، منافق خوانده می‌شدند؛ خداوند عزوجل در آیات متعددی از قرآن کریم نقاب از چهره کریه این منافقان برداشت و حقایق اسرار و اهداف شوم آنان را بر ملا ساخت؛ چنانکه می‌فرمود: «و یحلفون بالله انهم لمنکم و ما هم منکم و لکنهم قوم یفرقون لو یجدون ملجأً أو مغراتاً أو مدخلاً لولوا الیه و هم یجمعون و منهم من یلمزک فی الصدقات فإن أعطوا منها رضوا و إن لم یعطوا منها إذا هم یسخطون» [توبه: ۵۸-۵۶]؛ به خدا سوگند می‌خورند که آنان از شمایند، در حالی که از شما نیستند و گروهی هستند که می‌ترسند؛ اگر پناهگاهی یا غارهایی پیدا کنند شتابان بدانجا می‌روند، در میان آنان افرادی هستند که در تقسیم زکات از تو عیبجویی می‌کنند و ایراد می‌گیرند، اگر به آنان چیزی از غنایم داده شود خشنود می‌شوند و اگر چیزی به آنان داده نشود ناگاه خشم می‌گیرند. «یعتذرون الیکم إذا رجعتم الیهم قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم قد بانا الله من أخبارکم» [توبه: ۹۴]؛ وقتی به سوی آنان برگردید، ایشان شروع به عذرخواهی می‌کنند. بگو عذرخواهی نکنید ما هرگز گفته‌های شما را باور نخواهیم کرد. خداوند ما را از احوالتان آگاه ساخته است. برخی با سوءاستفاده از عدم آگاهی عموم مردم به تحریف شأن نزول و معانی و مصداق این نوع آیات قرآنی می‌پردازند و چنین وانمود می‌کنند که این آیات درباره اصحاب پیامبر نازل شده‌اند. چنین روشی اگر به غیر عمد انجام می‌گیرد ناآگاهی از تفسیر و مفهوم قرآن است که هیچ گونه ارزش علمی و تحقیقی ندارد؛ اما اگر کسی مصداق آیاتی را که در مورد منافقان نازل شده‌اند، اصحاب پیامبر می‌داند و از روی عمد چنین کاری را انجام می‌دهد بدون تردید عینک تعصب و غرض

ورزی بر چشم دارد و نمی‌خواهد در مقابل حقیقت تسلیم شود که چنین روشی ستمی آشکارا و اجحافی عظیم در حق اصحاب پیامبر اسلام محسوب می‌شود. برای داوری و بطلان چنین قضاوت یکطرفه‌ای به آیات ذیل توجه نمایید؛ خداوند در سوره توبه در مورد ماهیت مؤمنان و سپس منافقان می‌فرماید: «و السابقون الأولون من المهاجرین و الأنصار و الذین اتبعوهم بإحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه و أعد لهم جنات تجری تحتها الأنهار خالدین فیها أبداً ذلك الفوز العظيم و ممن حولکم من الأعراب منافقون و من أهل المدینة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم مرتین ثم یردون إلی عذاب عظیم و آخرون اعترفوا بذبوبهم خلطوا عملاً صالحاً و آخر سیئاً عسی الله أن یتوب علیهم إن الله غفور رحیم» [توبه: ۱۰۲-۱۰۰]؛ پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند از آنان خشنود شد و (آنان نیز) از او خشنود شدند. و خداوند برای آنان بهشت را مهیا ساخته است که در زیر (درختان و کاخهای) آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند این است پیروزی بزرگ. در میان عربهای بادیه‌نشین که پیرامون شما هستند و برخی از اهل مدینه منافقاند که بر نفاق خو گرفته‌اند. تو آنان را نمی‌شناسی. ما آنان را می‌شناسیم. دو بار آنان را عذاب خواهیم داد، آنگاه به عذابی بزرگ بازگردانده می‌شوند. و دیگرانی (هستند) که (نه از پیشگامان نخستین و نه از منافقین به شمار می‌آیند) به گناهان خود اعتراف کردند و کارهای خوب را با کار بد در آمیخته‌اند، امید است که خداوند توبه آنان را بپذیرد. بی‌گمان خداوند آمرزندهٔ مهربان است. براستی پیشگامان اسلام در هجرت، انفاق، شرکت در جهاد، نصرت و یاری پیامبر صلی الله علیه وسلم چه کسانی بوده‌اند؟ هر کس هر توجیه و تأویلی بکند نمی‌تواند بزرگان صحابه از جمله حضرت ابوبکر، حضرت عمر، حضرت عثمان، حضرت علی، حضرت طلحه، حضرت زبیر، حضرت ابو عبیده، حضرت عبدالرحمن بن عوف، حضرت سعد، حضرت سعید، ازواج مطهرات و تعداد کثیری از صحابه را که در غزوه بدر، احد، احزاب، صلح حدیبیه و غزوه تبوک شرکت جستند از لیست مهاجرین و انصاری که پیشگامان دین اسلام محسوب می‌شوند خارج کند. اما منافقان مدینه به سرکردگی عبدالله بن ابی که افرادی سودجو، اخلاص‌گر و دشمن اسلام بودند، کاملاً مشخص‌اند. این افراد در هیچ جنگی پیامبر را همراهی نمی‌کردند و حاضر نبودند حتی عرقی در راه اسلام بریزند. یکبار که عبدالله بن ابی با سیصد و اندی نفر در غزوه احد شرکت جست، از میانهٔ راه بازگشت. از این رو حساب اینان از حساب اصحاب فداکار و ایثارگر پیامبر اسلام آوردند و از آن پس به یاری اسلام روی آوردند، گرچه این افراد پرونده‌های سنگینی داشتند اما رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اسلام آنان را پذیرفت و خداوند نیز آنان را مورد عفو و بخشش قرار داد. (۴). بدون تردید اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم معصوم نبودند و بنابر تقاضای فطری و بشری گاهی اوقات دچار اشتباه و یا ارتکاب گناه می‌شدند، اما این مسئله باعث نمی‌شود که آنان برای همیشه از رحمت‌های الهی طرد شوند و هرگز بخشوده نشوند. از دیدگاه قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم آنان مورد عفو و بخشش خداوند قرار گرفته‌اند و اعمال نیک آنان سبب کفارهٔ گناهان آنان شده و توبهٔ‌شان به درگاه الهی پذیرفته شده است: «لقد تاب الله علی النبی و المهاجرین و الأنصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم ثم تاب علیهم إنه بهم رءوف رحیم و علی الثلاثة الذین خلفوا حتی إذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت و ضاقت علیهم أنفسهم و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إلیه ثم تاب علیهم لیتوبوا إن الله هو التواب الرحیم» [توبه: ۱۱۸-۱۱۷]؛ خداوند توبهٔ پیامبر و مهاجرین و انصار را پذیرفت، آنانیکه در روزگار سختی از پیامبر پیروی کردند بعد از آنکه دل‌های دسته‌ای از آنان اندکی مانده بود که منحرف شود باز هم خداوند توبهٔ آنان را پذیرفت چرا که او بسیار رؤف و مهربان است. خداوند توبهٔ آن سه نفر را که واپس نهاده شدند نیز می‌پذیرد. تا بدانجا که زمین با همهٔ فراخی بر آنان تنگ شد و دل‌هایشان بهم آمد و دانستند که هیچ پناهگاهی از خدا جز به سوی او وجود ندارد. آنگاه خداوند بر آنان رجوع کرد بی‌گمان خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. مولانا مفتی محمد شفیع عثمانی، مفتی اعظم اسبق پاکستان و مؤلف تفسیر گرانسنگ معارف القرآن، در تشریح آیهٔ مزبور

می‌فرماید: مفهوم این آیه، آن است که قرآن تضمین کرده اگر احیاناً فردی از صحابه، اعم از سابقین و متأخرین، در طول زندگی مرتکب گناهی شود بر جرم گناهش پایدار نخواهد ماند بلکه او توفیق توبه می‌یابد و به طفیل ارادت و محبتش به حضرت پیامبر و خدمات ارزنده‌ای که در راستای یاری اسلام انجام داده و به برکت حسناتش، خداوند او را معاف خواهد نمود. و وفات هیچ یک از آنان فرا نخواهد رسید مگر اینکه خداوند گناهانش را آمرزیده باشد. به همین دلیل کسی حق ندارد آنان را فاسق یا ساقط‌العداله بخواند. با آنکه در هنگام ارتکاب گناه، احکام و حدود اسلامی بر آن اجرا می‌شود و آن عمل در نوع خود نیز «فسق» تلقی می‌گردد، چنانکه در آیه شریفه «إن جاءكم فاسق بنبأ» آمده است، اما از آنجایی که توبه و آمرزش آنان از نص قرآن مفهوم می‌گردد، فاسق خواندن آنان در هیچ صورتی جایز نیست. [۷]. برخی به اتفاقی که در غزوه احد افتاد نیز برای نقض مسئله عدالت صحابه استناد می‌کنند، در حالی که خداوند عزوجل می‌فرماید: «إن الذین تولوا منکم یوم التقی الجمعان إنما استزلهم الشیطان ببعض ما کسبوا و لقد عفا الله عنهم إن الله غفور حلیم» [آل عمران: ۱۵۵]؛ آنان که در روز رویارویی دو گروه (مسلمانان و کافران در جنگ احد) فرار کردند، بی‌گمان شیطان به سبب برخی از عملکردشان آنان را به لغزش انداخت و همانا خداوند آنان را بخشید چرا که خداوند آمرزنده و بردبار است. پر واضح است که خداوند در این آیه آمرزش و مغفرت خویش را نسبت به عملکرد آن دسته از اصحاب که در غزوه احد مرتکب لغزشی شدند، اعلام می‌دارد، لذا تأویل و تحریف این قضیه و اثبات جرم برای اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم کاری کاملاً غیرعقلانی و غیرمنطقی است. عامه اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که در لیست مهاجرین و انصار و شرکت کنندگان در غزوات مختلف داخل‌اند به بشارت‌های قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم برای همیشه مورد رضایت و آمرزش خداوند قرار گرفته‌اند. در آغاز عملیات فتح مکه، یکی از اصحاب پیامبر به نام حاطب بن ابی‌بلتعه، به خاطر پاره‌ای از مصالح شخصی، نامه‌ای به سران قریش در مکه نوشت تا آنان را از تهاجم پیامبر به مکه آگاه سازد. وی نامه را به زنی داد تا به مکه برساند. آن زن نامه را در لابه‌لای گیسوهایش پنهان کرد و به راه افتاد. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از طریق وحی از این موضوع اطلاع یافت و بلافاصله حضرت علی، زبیر بن عوام، مقداد و ابومرثد غنوی را برای دستگیری حامل نامه اعزام کرد و فرمود: «بروید تا به «روضه خاخ» برسید، در آنجا زنی را در حال سفر خواهید یافت که حامل نامه‌ای به سوی قریش است». آنان به راه افتادند و پس از گرفتن نامه نزد پیامبر بازگشتند. آنگاه پیامبر اسلام به دنبال حاطب فرستادند و به او گفتند: این چیست ای حاطب؟ حاطب گفت: ای رسول خدا درباره من شتاب روا مدارید! به خدا قسم من به خدا و رسول او ایمان دارم! نه مرتد شده‌ام و نه دین و آیین خود را تغیر داده‌ام! خانواده من در مکه است و من در آنجا خویشاوندی ندارم که از خانواده من حمایت کند. من با این اقدام می‌خواستم اهل مکه خانواده و بستگانم را مورد حمایت قرار داده و آسیبی به آنان نرسانند. ضمن اینکه می‌دانستم آنان دچار گرفت الهی خواهند شد و نامه من چیزی را از آنان دفع نخواهد کرد. [۸]. حضرت عمر بن خطاب گفت: ای رسول خدا! اجازه دهید گردنش را بزنم، وی به خدا و پیامبرش خیانت کرده و نفاق ورزیده است! رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إنه قد شهد بداراً و ما یدریک یا عمر؟ لعل الله قد اطلع علی اهل بدر فقال: «إعملوا ما شئتم فقد غفرت لکم» [۹]؛ وی در جنگ بدر شرکت داشته است، تو چه می‌دانی ای عمر! خداوند حتماً از فرجام بدریان مطلع بوده که فرموده است: «هر چه می‌خواهید انجام دهید، من شما را آمرزیده‌ام». در این هنگام اشک از چشمان حضرت عمر رضی الله عنه جاری شد و گفت: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. در روایتی دیگر آمده است: «أن عبداً لحاطب جاء رسول الله صلی الله علیه وسلم یشکوا حاطباً فقال: یا رسول الله لیدخلن حاطب النار! فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «کذبت لا یدخلها، فإنه قد شهد بداراً و الحدیبیه» [۱۰]؛ غلام حاطب، از وی نزد پیامبر شکایت کرد و گفت: ای رسول خدا، یقیناً حاطب به آتش (جهنم) داخل خواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «دروغ گفتی! او به آتش داخل نخواهد شد، زیرا در جنگ بدر و صلح حدیبیه حضور داشته است». داستان اعتراف معاذ بن مالک به زنا و جاری شدن حد شرعی بر ایشان و پذیرش توبه‌اش دلیل دیگری بر این مدعاست. حضرت معاذ مصرانه از پیامبر

گرامی اسلام تقاضای اجرای حد می‌کرد و می‌گفت: «یا رسول الله طهرنی!»؛ ای رسول خدا مرا (با اجرای حد شرعی) پاکیزه بگردان! پس از آنکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چندین بار از او پرسید که آیا برآستی مرتکب زنا شده‌ای؟ و او می‌گفت: آری! رسول خدا صلی الله علیه وسلم دستور دادند تا حد شرعی بر او جاری شود. پس از این واقعه، مردم در مورد فرجام معاذ بن مالک سخنان متفاوتی اظهار کردند. برخی می‌گفتند او هلاک شد. برخی دیگر می‌گفتند او توبه صادقانه کرده است. تا آنکه پس از گذشت چند روز رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «برای معاذ بن مالک طلب آمرزش نمایید». اصحاب با تعجب پرسیدند: آیا خداوند معاذ بن مالک را بخشیده است؟! رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در پاسخ آنان فرمودند: «لقد تاب توبه لو قسمت بین أمة لوسعتهم»؛ او چنان توبه‌ای کرده است که اگر در بین امتی تقسیم گردد (برای نجات) همه آنان کافی است. از این قبیل واقعات موارد بسیاری را می‌توان در قرآن کریم، احادیث نبوی و سیرت صحابه یافت که همه آنها به وجود داعیه و انگیزه‌ای بسیار قوی در وجود اصحاب پیامبر برای توبه و انابت به سوی خدا، پس از ارتکاب هر خطا و لغزش، دلالت دارد. و این گونه است که آنان هم رضایت و غفران الهی را شامل حال خود کرده‌اند و هم سیرت و سلوکی نمونه و درخشان را برای آحاد امت اسلامی از خود به جای گذاشته‌اند. برخی ایراداتی را درباره عدالت ولید بن عقبه مطرح می‌نمایند و ادعا می‌نمایند که آیه: «يا أيها الذين آمنوا إن جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا أن تصيبوا قوماً بجهالة» [حجرات: ۶]، در مورد وی نازل شده است، پس اگر او عادل است چرا فاسق خوانده شده است؟ در پاسخ به این ایراد باید بگوییم: اولاً: در مجموعه آیات قرآنی و احادیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فقط در همین یک مورد، تصریح به «فسق» وجود دارد، اما در مقابل آیات متعدد و احادیث بی‌شماری درباره فضایل و مناقب اصحاب آمده است و به خاطر این یک مورد مشخص، نمی‌توان عدالت همه اصحاب را زیر سؤال برد؟! این یک مورد از کسانی است که بعد از فتح مکه ایمان آوردند. وی تا آن هنگام تحت تأثیر کامل ایمان و مصاحبت پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار نگرفته بود و قرآن تحت عنوان فاسق از وی یاد کرد. اما همین فرد، پس از وفات آن حضرت صلی الله علیه وسلم، در کنار دیگر صحابه، رشادتها و خدمات بزرگی را در راه شکوفایی و گسترش دین اسلام انجام داد، و ما باور داریم که او مستحق عفو و بخشش خدای عزوجل قرار گرفته است. امام شمس‌الدین ذهبی درباره وی می‌فرماید: «و كان مع فسقه - و الله يسامحه - شجاعاً قائماً بأمر الجهاد» [۱۱]؛ او با آنکه مرتکب فسق شده بود - و خداوند از او درگذرد - شجاع بود و به امر جهاد پرداخت. حافظ احمد بن حجر عسقلانی می‌فرماید: «كانت ولاية الوليد الكوفة سنة خمس وعشرين، و كان في سنة ثمان وعشرين غزا أذربايجان و هو أمير القوم» [۱۲]؛ ولایت ولید بر کوفه در سال بیست و پنجم هجری بود، و در سال بیست و هشتم هجری به جهاد در سرزمین آذربایجان مأموریت یافت و عهده‌دار امیری لشکر (مسلمانان) شد. این روایات بیانگر آن است که ولید مورد اعتماد بزرگان صحابه قرار گرفت. حضرت عمر رضی الله عنه در زمان خلافت خویش او را به جمع‌آوری صدقات «بنی تغلب» گماشت. در واقع این صحابی در شمار کسانی قرار گرفت که خداوند درباره‌شان می‌فرماید: «و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملاً صالحاً و آخر سيئاً عسى الله أن يتوب عليهم إن الله غفور رحيم» [توبه: ۱۰۲]؛ و دیگرانی (هستند) که (نه از پیشگامان نخستین و نه از منافقین به شمار می‌آیند) به گناهان خود اعتراف کردند و کارهای خوب را با کار بد در آمیخته‌اند، امید است که خداوند توبه آنان را بپذیرد. بی‌گمان خداوند آمرزنده مهربان است. ثانیاً: خداوند تهمت زندگان را نیز فاسق می‌خواند اما آنان را از رحمت‌های خویش طرد نمی‌نماید، چنانکه می‌فرماید: «و الذين يرمون المحصنات ثم لم ياتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلدة و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً و أولئك هم الفاسقون إلا الذين تابوا من بعد ذلك و أصلحوا فإن الله غفور رحيم» [نور: ۵-۴]؛ کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، به آنان هشتاد تازیانه بزنید و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید و چنین کسانی فاسق هستند، مگر کسانی که (از چنین کاری) توبه کنند چرا که خداوند آمرزگار و مهربان است. ثالثاً: خداوند در سوره حجرات می‌فرماید: اگر فاسقی برایتان خبری آورد «فتبينوا» آن را تحقیق و تبیین نمایید، و نمی‌فرماید: «فلا تقبلوه»، یعنی آن را هرگز قبول نکنید. جمعی از علمای علم

اصول برای «حجیت خبر واحد» نیز به این آیه استدلال کرده‌اند چرا که آیه می‌گوید که تحقیق و تبیین در خبر «فاسق» لازم است و مفهوم آن این است که اگر شخصی «عادل» خبری دهد، بدون تحقیق می‌توان آن را پذیرفت. با این وجود از «ولید بن عقبه» هیچ حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت نشده است؛ فقط دو روایت از وی در کتابهای حدیث وجود دارد که آن هم در مورد خود وی است. با توضیحاتی که در مورد ولید بن عقبه بیان شد، عملکرد وی تأثیری در اخذ احکام و شرایع اسلامی از طریق صحابه پیامبر صلی الله علیه وسلم ندارد و همه‌شان در مقام عدالت قرار دارند. خلاصه آنکه آیات قرآن و احادیث نبوی بیانگر آنند که خطاها و لغزشهای اصحاب مورد آمرزش قطعی خداوند عزوجل قرار گرفته است، به گونه‌ای که هیچ یک از آنان سزاوار عذاب الهی نمی‌گردد. و این حقیقتی است که قاطبه مسلمانان جهان در طی سده‌های پس از حیات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم تا حال حاضر به آن باور داشته و دارند، و همانا این باور رمز اتحاد و انسجام امت اسلامی در طول تاریخ اسلام بوده و خواهد بود.

پاورقی

- [۱] ابن عبدالبر، قرطبی، الاستیعاب فی أسماء الأصحاب، ج ۱، ص: ۷، دارالفکر، ۱۴۲۳هـ.
- [۲] امام الحرمین، ابوالمعالی، کتاب الإرشاد إلى قواطع الأدلة فی اصول الاعتقاد، ص: ۳۶۴، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۳هـ.
- [۳] ابن الصلاح، علوم الحدیث، ص: ۲۹۴-۲۹۵، دارالفکر المعاصر، ۱۴۰۶هـ.
- [۴] ابن تیمیه، شرح العقیده الواسطیه، ص: ۱۵۷-۱۵۸، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۷هـ.
- [۵] واحد اندازه‌گیری وزن که اندازه آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت بوده، از جمله در بعضی نواحی حدود ۶۰۰ گرم بوده است. (فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۷، ص ۶۸۰۶).
- [۶] تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، ج ۵، ص: ۳۰۳، عالم الکتب، ۱۴۰۹هـ.
- [۷] عثمانی، مفتی محمدشفیع، مقام صحابه، ص: ۹۴، ترجمه مولانا عبدالرحمان سربازی، انتشارات صدیقی، ۱۳۷۲.
- [۸] السیره الحلبیه، ج ۲، ص: ۲۰۰، داراحیاء التراث العربی.
- [۹] بخاری، الجامع الصحیح، ج ۵، ص: ۱۰۶، روایت شماره ۴۲۷۴، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ.]
- [۱۰] مسلم، الجامع الصحیح، ج ۴، ص: ۱۲۴۱، روایت شماره ۶۲۹۸/۲۴۹۵، دارالحدیث، القاهره، ۱۴۱۲هـ.
- [۱۱] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص: ۴۱۵، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴هـ.
- [۱۲] عسقلانی، احمد بن علی ابن حجر، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶، ص: ۴۸۳، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳هـ. مصدر: بر گرفته از فصلنامه، دینی، علمی فرهنگی، اجتماعی ندای اسلام.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۳۵۷۰۲۳-۲۵- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

